چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۴۱۳۸
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

در ماجرای چای دبش چه بر سر واردات ایران آمد؟

افتضاح دبش؛ ایران بزرگ‌ترین واردکننده چای!

در دو روز گذشته رئیس قوه قضاییه به‌طور ویژه بر ضرورت رسیدگی سریع و اطلاع‌رسانی درباره پرونده‌های مهم نظیر فولادمبارکه و چای دبش تاکید کرده است. محسنی‌اژه‌ای، روز دوشنبه طی سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضاییه با اشاره به پرونده «چای دبش» گفت: «پرونده چای دبش، پرونده‌ای است که ذهن مردم را مشغول کرده است؛ عدد و رقم مطرح در این پرونده، عدد و رقم بزرگی است و نکته مهم آنکه، در زمان کوتاهی این قضیه رخ داده است.» وی ادامه داد: «باید سریع‌تر در قبال این پرونده در این حد روشنگری شود که چه بخشی از آن جرم است چه بخشی از آن جرم نیست و چه بخشی از آن تخلف است.» محسنی‌اژه‌ای اظهار کرد: «بررسی وضعیت این پرونده زمانبر است اما می‌توان یک مقداری در بررسی‌ها تسریع کرد و بخش‌هایی از این قضایا را اطلاع‌رسانی کرد؛ در غیر این صورت، چنانچه منتظر صدور حکم نهایی و تعیین تکلیف پرونده پس از اعتراض و بررسی مرجع تجدیدنظر بمانیم، ممکن است دو سال زمان ببرد و آنگاه است که به سبب طولانی شدن، ما متضرر می‌شویم و خدای ناکرده مردم بدبین می‌شوند.» رئیس دستگاه قضا روز سه‌شنبه نیز در نشست با دانشجویان دانشگاه‌های استان کهگیلویه‌وبویراحمد در پاسخ به سوالات دانشجویان درخصوص چای دبش گفت: «در این پرونده معاون وزیر و سرپرست بعضی از نهادها احضار و برخی تفهیم اتهام شده‌اند. در روزهای گذشته ۴۵ نفر در این پرونده تفهیم اتهام شده‌اند. همچنین وزیر سابق (وزارت جهادکشاورزی) به سه سال زندان محکوم شده است.» بررسی‌های «فرهیختگان» از برخی جزئیات پرونده چای دبش نشان می‌دهد تخلفات رخ‌داده در این پرونده باعث شده ایران در شرایطی که دارای محدودیت‌های ارزی بوده، به اولین واردکننده چای در جهان طی سال ۲۰۲۲ تبدیل شود.

تبدیل ایران به اولین واردکننده چای در جهان!

داده‌های گمرک ایران نشان می‌دهد میانگین واردات چای ایران بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ حدود ۶۳ هزار تن بوده است، با این حال این مقدار در سال ۱۴۰۱ به ۱۱۰ میلیون دلار رسیده است. این جهش ۷۵ درصدی در واردات وزنی است. داده‌های گمرک بیانگر این موضوع است که ارزش واردات چای ایران بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ حدودا ۳۰۸ میلیون دلار بوده که با جهش ۱۱۶ درصدی در سال ۱۴۰۱ روبه‌رو شده است. همچنین اگر مقدار وزنی و ارزش دلاری واردات سال ۱۴۰۱ را با سال ۱۴۰۰ مقایسه کنیم، واردات سال ۱۴۰۱ به‌لحاظ وزنی رشد ۴۶ درصدی و به‌لحاظ ارزش نیز رشد ۷۲ درصدی داشته است.

بررسی آمارهای جهانی نشان می‌دهد فاجعه واردات ۶۶۵ میلیون دلاری چای در سال ۱۴۰۱ ایران را در رتبه اول جهان به بزرگ‌ترین واردکننده چای تبدیل کرده است. براساس این آمارها، در سال ۲۰۲۲ ایران با واردات ۶۶۵ میلیون دلاری، با فاصله از پاکستان با ۶۴۹ و آمریکا با ۵۶۰ میلیون دلار، در رتبه اول جهان در واردات چای جای گرفته است. این آمارها نشان می‌دهد امارات که بخشی از چای را برای صادرات مجدد وارد می‌کند، با ۴۱۰ میلیون دلار، در رتبه چهارم و روسیه با ۳۶۵ میلیون دلار در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند. انگلستان با ۳۵۶، مصر با ۲۷۳، مراکش با ۲۵۷، آلمان با ۲۵۲، هنگ‌کنگ با ۲۲۹ و عراق با ۱۷۵ میلیون دلار، در رتبه‌های بعدی جهان جای گرفته‌اند.

از شر دبش تا شهر دبش!

آن‌طور که تاکنون مسئولان دولتی و قوه قضائیه به افکار عمومی توضیح داده‌اند، موضوع فساد دبش از این قرار است که یک شرکت برخلاف رویه‌های معمول، طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ حدود ۳٫۴ میلیارد دلار ارز برای واردات چای و تجهیزات احداث شهر چای از دولت دریافت کرده که بخشی از آن را در قالب محصول چای وارد کشور کرده و البته در همین موضوع هم بیش‌اظهاری در قیمت‌ها وجود دارد اما در قبال بخش قابل توجهی از ارزهای دریافتی هنوز کالایی به کشور وارد نشده و از زمان تعهد واردات، نزدیک به دو سال گذشته است. گفته می‌شود بخش زیادی از این ارزها در بازار به نرخ‌های بالا فروخته شده است.

بخش قابل تامل سخنان سخنگوی دولت موضوع ارزهای دریافتی این واردکننده برای واردات تجهیزات چای است. وی می‌گوید در این پرونده یک واردکننده، تجهیزات چای وارد کرده و گفته است که می‌خواهد شهر چای تولید کند تا هم بازار داخلی را داشته باشد و هم به بازارهای خارجی صادرات داشته باشد.

در همین رابطه ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، نتایج ورود این سازمان به موضوع «واردات چای و ماشین‌آلات مربوطه به کشور طی سه سال اخیر و انجام ندادن تعهدات ارزی از سوی یک گروه تجاری واردکننده» را تشریح کرده و می‌گوید میزان چای مورد نیاز کشور حدود ۱۰۰ هزار تن در سال است که از این میزان حدود ۷۰ درصد آن وارداتی است. این گروه تجاری از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا پایان سال ۱۴۰۱، حدود ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای و ماشین‌آلات پیشرفته چاپ و بسته‌بندی، ارز دریافت کرده و طی این مدت، ۷۹ درصد از ارز نیمایی تخصیص‌یافته برای واردات چای، به این گروه تجاری اختصاص پیدا کرده است. در سال ۱۴۰۱ نیز کل ارز تامین‌شده برای واردات چای حدود یک میلیارد و ۳۹۶ میلیون دلار بود که از این میزان یک میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار به این گروه اختصاص پیدا کرده بود. آن‌طور که سازمان بازرسی گزارش کرده، از مجموع ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز دریافتی شرکت دبش، حدود یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار برای واردات ماشین‌آلات و مابقی برای واردات چای بوده و نزدیک به ۱٫۹ میلیارد دلار نیز برای واردات چای بوده است.

فارغ از اعداد و ارقام که در نوع خود عجیب و غریب و نجومی هستند، حال چندین سوال مطرح است. ۱- اینکه چرا این فساد رخ داد؟ ۲- چرا ارقام چشمگیری ارز ارزان‌تر از بازار (ارز نیمایی) به یک شرکت داده شده؟ ۳- چرا موضوعی که در سال‌های ۹۴ تا ۹۷ درخصوص امثال قربانعلی فرخزاد رخ داد، دوباره باید تکرار شود؟ ۴- راهکار مقابله با فساد در واردات کالاهای اساسی چیست؟ ۵- آیا با افزایش نظارت‌ها می‌توان جلوی وقوع فساد در موضوع ارز را گرفت؟ ۶- آیا وقوع فساد در موضوعی مثل واردات و ارز صرفا با دولت‌ها و جناح‌ها مرتبط است یا رخداد آن ارتباط زیادی به جناح‌ها نداشته و موضوع دلایل اقتصادی داشته و مساله اصلی رانت و منفعت است؟ ۷- حمایت دولت‌ها از مردم درقالب تخصیص ارز ارزان‌تر از بازار، روش حمایتی درستی بوده یا خیر و اگر درست نیست راه‌حل چیست؟ اینها تنها بخشی از سوال‌های اصلی است که پاسخ به آنها، در وهله اول به احتمال زیاد به دلیل وجود ارز چندنرخی و یارانه‌های غیرنقدی است که دولت‌ها طی چندین دهه در ایران پرداخت کرده و در زمان تحریم‌ها این موضوع بسیار پررنگ‌تر شده است. به عبارتی، عدم تفکیک سیاست رفاهی در ایران با سیاست‌های پولی و ارزی، شرایط چندقیمتی و چندنرخی را به وجود آورده که افراد به طمع بهره‌مندی از رانت یا شکاف قیمتی، حاضرند همه اصول اخلاقی و انسانی را زیر پا بگذارند که چای دبش نه‌تنها اولین و آخرین، بلکه یکی از بزرگ‌ترین این تخلفات یا فساد است.

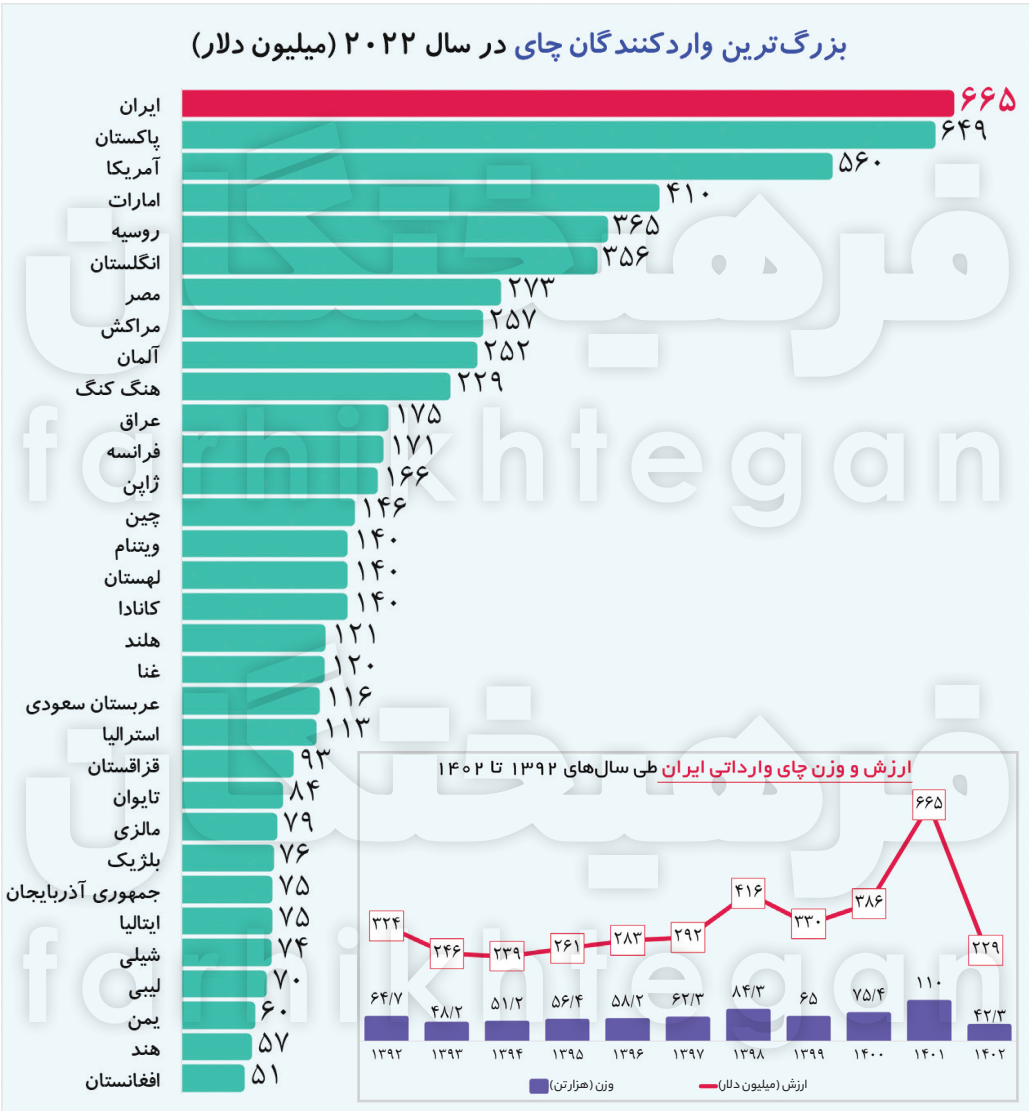

فروش چای وارداتی با ۲ برابر قیمت جهانی

یکی از موارد قابل‌بررسی در پرونده تخلفات واردات چای، تفاوت شدید قیمت چای وارداتی با چای صادراتی و تفاوت این دو با قیمت‌های جهانی است. براساس داده‌های گمرک ایران، میانگین قیمت چای وارداتی ایران در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ حدود پنج دلار بوده است. این عدد بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ حدود ۴٫۷ تا ۴٫۹ دلار نوسان داشته، در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ۵٫۱ دلار و در سال ۱۴۰۱ به ۶ دلار رسیده است. در سال ۱۴۰۲ نیز این عدد ۵٫۹ دلار است. عدد ۶ دلار درحالی است که طی سال ۲۰۲۲ میانگین قیمت چای در هند که از اصلی‌ترین مبادی واردات چای کشور بوده، هر کیلو ۳٫۳ تا ۳٫۷ دلار بوده است. به عبارتی قیمت چای وارداتی ایران بین ۶۲ تا ۸۲ درصد گران‌تر از قیمت چای در هند است. موضوع قابل‌تامل این است که طی سال‌های گذشته حدود ۷۰ درصد از ارزش و ارزش وزنی چای وارداتی ایران از کشور هند بوده است. همچنین محاسبات از آمارهای گمرکی نشان می‌دهد طی سال ۱۴۰۱ که حدود ۱۱۰ هزار تن چای از خارج وارد کشور شده، حدود ۴۷٫۵ هزار تن (۴۳ درصد از چای وارداتی) از این چای با قیمت هر کیلو ۶ تا ۹ دلار، ۳۷٫۶ هزار تن (۳۴٫۲ درصد) با قیمت هر کیلو پنج تا ۶ دلار و ۲۴٫۸ هزار تن (۲۲٫۸ درصد) با قیمت هر کیلو سه تا پنج دلار وارد شده است. اما موضوع چای به همین‌جا ختم نمی‌شود. بررسی آمار و ارقام صادرات چای ایرانی نیز نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ قیمت هر کیلو چای صادراتی کشور بین ۱ تا ۱٫۳ دلار بوده است. عدم‌تغییر آن به‌رغم تغییر نرخ محاسباتی گمرک و نرخ‌های داخلی درحالی است که درحال‌حاضر قیمت چای ایرانی در بازار هر کیلو بین ۸۰ تا ۱۷۰ و حتی ۲۰۰ هزار تومان است. از تقسیم این ارقام حتی به نرخ مرکز مبادله نیز به قیمت‌های دو تا چهار دلار می‌رسیم، عددی که با نرخ صادراتی چای فاصله قابل‌توجهی دارد. آنطور که آمارها نشان می‌دهد تفاوت اعداد و ارقام صادرات و واردات چای که در اغلب اقلام خوراکی، صنعتی و ساختمانی نیز دیده می‌شود، به‌نظر می‌رسد اتفاقی است که درنتیجه کم‌اظهاری و بیش‌اظهاری رخ داده است. این موضوع اگر صحت داشته باشد، اولا در موضوع واردات موجب گران‌نمایی و گران‌تر شدن اقلام وارداتی و ثانیا نشان از خروج ارز وارداتی و صادراتی از چرخه رسمی و تبدیل آن به ارز نیاز قاچاق کالا و یا سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر می‌شود.

وام‌دهی ارتباطی

مرتضی مطلق
تحلیلگر بانکی

از اوایل قرن گذشته تا بحران مالی اخیر، دیدگاه غالب نسبت به ماهیت بانک و چگونگی خلق نقدینگی، رویکرد ضریب فزاینده بوده که مطابق با این دیدگاه، هر بانک به صورت انفرادی تنها یک واسطه‌گر وجوه است و نظام بانکی به صورت تجمیعی توانایی خلق پول و اعتبار از محل سپرده‌ها را دارد. به همین جهت، ریچارد ورنر (Richard Werner)، قرن بیستم را قرن از دست رفته اقتصاد (A Lost Century in Economics) می‌نامد. پس از بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا و با توجه به عدم اثرگذاری سیاست‌های پولی مرسوم و مقررات کلان احتیاطی (کفایت سرمایه با در نظر گرفتن توصیه‌های بازل۲) مجددا به رویکرد تامین مالی از طریق خلق پول (خلق پول از هیچ) روی آورده شد. مطابق با این نظریه، بانک‌ها به صورت انفرادی قدرت خلق اعتبار را دارند و پیش از وام‌دهی نیاز به جذب سپرده یا ذخایر ندارند.

یکی از دلالت‌هایی که با رویکرد جدید همراه بوده و همواره مورد توجه اندیشمندان مکتب اتریش هم قرار گرفته، بحث شمولیت مالی (Financial Inclusion) است که مهم‌ترین پارامتر آن، دسترسی به اعتبار است که پتانسیل ایجاد نابرابری‌های مالی را داشته و می‌تواند باعث تشدید نابرابری در درآمد و ثروت شود. اعتقاد این افراد بر این باور استوار است که بانکداری، بر سرمایه‌ای متکی است که به کلی متفاوت از سایر کسب‌وکارهاست. این سرمایه، همان حمایت حاکمیت پولی (اعتماد عمومی به دولت) است. آنها اشاره می‌کنند که قدرت خلق پول، یک دارایی اجتماعی و حق عمومی است و باید منافع حاصل از آن، در راستای نفع عمومی باشد. اما در خلق اعتبار نظام بانکی، پول جدیدی که خلق می‌شود، به‌طور مساوی میان همه آحاد جامعه قرار نمی‌گیرد، بلکه ابتدا در دست عده‌ای محدود قرار خواهد گرفت و چون قیمت‌ها تغییری نکرده است، آن شخص می‌تواند از کالا و خدمات بیشتری نسبت به بقیه بهره ببرد. در ادامه با فرض ثبات تولید، ارزش پول کاهش یافته و شخص دوم که اعتبار را از شخص اول دریافت می‌کند، قدرت خرید کمتری خواهد داشت. بنابراین با خلق پول، قدرت خرید از انتهای زنجیره خلق اعتبار که عموما مردم عادی هستند، به ابتدای زنجیره که در کشور ما عموما دولت و اشخاص مرتبط با بانک‌ها هستند، انتقال می‌یابد. این حقیقت در نظام بانکداری پذیرفته شده و از آن با عنوان جیره‌بندی اعتبار (Credit Rationing) یاد می‌شود. وجود این حقیقت، باعث شده که نظام‌های بانکی دنیا به سمت تخصیص بهینه اعتبار بروند که بنگاه‌هایی بتوانند تسهیلات را دریافت کنند که اولا ارزش افزوده برای مردم عادی ایجاد کنند تا هم کسب‌وکارها تامین مالی شوند و بتوانند موجبات تولید بیشتر و رشد اقتصادی را فراهم کنند و هم مردم عادی از خدمات آنها استفاده کنند و ثانیا بتوانند با کسب منافع، تسهیلات را در موعد مقرر بازپرداخت کنند.

یکی از مهم‌ترین ریسک‌هایی که در نظام بانکی درنظر گرفته می‌شود، وجود اطلاعات نامتقارن (Asymmetric Information) است که منجر به افزایش ریسک اعتباری (Credit Risk) می‌شود؛ چراکه بانک، از ویژگی‌های دریافت‌کننده وام و شرایط وی پس از اعطای وام به‌خصوص جریان نقد بنگاه، آگاهی ندارد و انتخاب وام‌گیرنده خوب را برای بانک دشوار خواهدکرد. این امر در کشور ما به‌مراتب سخت‌تر است؛ چراکه نظام اعتبارسنجی مناسب وجود ندارد و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ریسک کسب‌وکارها را به‌شدت افزایش می‌دهد. به همین علت، بانک برای کاهش احتمال نکول (Probability Default)، اقدام به اعتباردهی به بنگاه‌هایی می‌کند که با بانک دارای رابطه مالکیتی یا روابط بلندمدت هستند. این نوع بنگاه‌ها ارتباط نزدیکی با بانک‌ها دارند و باعث دسترسی آسان به وام و امهال آنها خواهند گشت.

وام‌دهی ارتباطی (Relationship Lending or Connected Lending) از طرفی عدم تقارن اطلاعات را کاهش خواهد داد و از سوی دیگر، منجر به افزایش انعطاف بانک برای تصمیم‌گیری درخصوص پیشنهاد پارامترهای وام خواهد شد که باعث افزایش منافع بانک و بنگاه خواهد شد. وجود چنین روابطی، احتمال اعطای تسهیلات به این بنگاه‌ها نسبت به سایرین را افزایش می‌دهد. با این حال این نوع وام‌دهی، تخصیص منابع براساس شایستگی را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و باعث افزایش فساد خواهد شد. در مقابل، وام‌دهی مبادله‌ای (Transactional lending) وجود دارد که به ازای تسهیلات داده شده، وثایق کافی از جنس اوراق، زمین و املاک و مستغلات خواهد بود که باعث کاهش ریسک اعتباری می‌شود و می‌تواند عدم تقارن اطلاعات را جبران کند. در این حالت، هزینه تامین مالی برای بنگاه‌هایی که به وثایق لازم و کافی دسترسی ندارند، به‌شدت افزایش خواهد یافت. به همین جهت، میزان دقیق وام‌دهی ارتباطی همواره برای سیاستگذار پولی و مقام ناظر اهمیت داشته است.

بند (د) تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱، اشاره می‌کند بانک مرکزی مکلف است مانده تسهیلات و تعهدات کلان و اشخاص مرتبط (یا ذی‌نفع واحد) را منتشر کند و به صورت فصلی به‌روزرسانی کند. اولین بار این داده‌ها در دی ماه سال ۱۴۰۱ و برای گزارش فصل زمستان سال ۱۴۰۰ منتشر شدند. گزارش اولیه کمتر از ۲۰ بانک را شامل می‌شد اما طی آخرین گزارش که اسفند ۱۴۰۲ منتشر شده، جامعه ۲۸ بانک و موسسه اعتباری را دربرمی‌گیرد. آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط که شورای پول و اعتبار در سال ۱۳۹۴ در ۲۱ ماده تصویب کرده است، دو محدوده کاملا مشخص را برای شبکه بانکی بیان کرده است:

۱ ماده ۳ که اشاره می‌کند مجموع خالص تسهیلات و تعهدات به هر شخص مرتبط نباید از ۳ درصد سرمایه پایه موسسه اعتباری تجاوز کند که از آن به‌عنوان حد فردی یاد می‌شود.

۲ ماده ۴ که بیان می‌کند مجموع خالص تسهیلات و تعهدات به اشخاص مرتبط نباید از ۴۰ درصد سرمایه پایه موسسه اعتباری تجاوز کند که آن را حد جمعی می‌نامد.

در این آیین‌نامه، نحوه محاسبات توضیح داده شده و در مواردی به آیین‌نامه کفایت سرمایه ارجاع داده است. در بررسی که با داده‌های پاییز ۱۴۰۲ انجام شده، بانک‌های توسعه تعاون، توسعه صادرات و پست‌بانک، اطلاعات وام‌دهی ارتباطی خود را پس از چندین نوبت هنوز ارسال نکرده‌اند. از سال ۱۴۰۰ که بانک‌های دولتی موظف شدند صورت‌های مالی خود را در کدال منتشر کنند، یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های دولتی همچنان این کار را انجام نداده است و به همین جهت، سرمایه پایه آن مشخص نیست (احتمال زیاد منفی است) تا بتوانیم آن بانک را بررسی کنیم. بعضی از بانک‌ها هم اطلاعات دقیق خود را به بانک مرکزی ارسال نکرده‌اند که تمام اینها نشان می‌دهد دولت باید ابزار نظارتی قدرتمندی به بانک مرکزی بدهد تا راه‌های دور زدن نهاد ناظر بسته شود. در جدول زیر، بررسی کرده‌ایم که کدام یک از بانک‌ها این حد را رعایت و کدام یک از بانک‌ها از حدود این آیین‌نامه تخطی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری میان بانک‌های دولتی و خصوصی در این رابطه وجود ندارد. بانک مرکزی با نظارت آنلاین و دقیق مانند اکثر مقام‌های ناظر دنیا، می‌تواند باعث کنترل بهتر این امر و سایر امور احتیاطی و نظارتی شود.

میزان رعایت آیین‌نامه مانده تسهیلات و تعهدات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط (یا ذی‌نفع واحد)

بانک	حد فردی	حد جمعی
خاورمیانه	رعایت	رعایت
کارآفرین	رعایت	رعایت
ملت	رعایت	رعایت
تجارت	رعایت	رعایت
کشاورزی	رعایت	رعایت
مسکن	رعایت	رعایت
اقتصاد نوین	عدم رعایت	رعایت
پاسارگاد	عدم رعایت	رعایت
رفاه	عدم رعایت	رعایت
سامان	عدم رعایت	رعایت
ایران زمین	عدم رعایت	عدم رعایت
دی	عدم رعایت	عدم رعایت
سینا	عدم رعایت	عدم رعایت
شهر	عدم رعایت	عدم رعایت
صادرات	عدم رعایت	عدم رعایت
گردشگری	عدم رعایت	عدم رعایت
ملی	عدم رعایت	عدم رعایت
پارسیان	عدم رعایت	عدم رعایت
سرمایه	عدم رعایت	عدم رعایت
آینده	عدم رعایت	عدم رعایت

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم